

بررسی مفهوم «مرباطه» در قرآن کریم با تکیه بر تفاسیر المیزان و التحریر والتنویر

عبدالرسول شبانی^۱

احمدرضا بسیج^۲

محمدحسین قاسم پیوندی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹، صفحه ۸۷ تا ۱۰۰ (مقاله پژوهشی)

چکیده

مرباطه از جمله مباحث مهم اجتماعی قرآن است که نقشی مؤثر در شکل‌گیری ارتباط افراد در راه اهداف و آرمان‌های اسلامی در جامعه دینی دارد. پژوهش حاضر، این مسئله مهم را به روش تطبیقی و شیوه توصیفی-تحلیلی از منظر دو مفسر معاصر؛ علامه طباطبائی در المیزان فی تفسیر القرآن و شیخ ابن عاشور در التحریر و التنویر موردنقد قرار داده است. به نظر ابن عاشور «مرباطه» به معنای حفظ آمادگی نظامی در مرزهای کشور اسلامی است؛ در حالی که بر اساس خوانش اجتماعی علامه طباطبائی، مرباطه به معنای ارتباط تمامی افراد، در جمیع شئون زندگی اجتماعی است. سؤال اساسی آن است که با عنایت به روابط هم‌نشینی واژگان و همچنین بررسی معانی باب مفاعله در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، تبیین دقیق مفهوم مرباطه چیست؟ با بررسی تطبیقی، ذکر روایت تفسیری انتظار نماز پس از نماز، به‌عنوان نقطه اشتراک نظر هر دو مفسر به‌دست آمده است. از طرفی به‌عنوان نقطه افتراق، تحلیل اجتماعی علامه درباره مرباطه اسلامی به معنای ارتباط تمامی افراد در کنش‌های اجتماعی، در برابر نظر ابن عاشور، یعنی حفظ مرزهای کشور اسلامی قرار دارد. نتیجه آنکه با عنایت به اطلاق رابطوا در آیه و نظر به معانی باب مفاعله، هیچ یک از دیدگاه‌های مذکور از حد تعیین مصداق فراتر نبوده و رابطوا حکایت از مشارکت مداوم افراد جامعه همراه با ایستادگی محکم و قوی در راه رسیدن به حق دارد.

کلیدواژه‌ها: مرباطه اسلامی، قرآن کریم، علامه طباطبائی، المیزان، ابن عاشور، التحریر و التنویر.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران:

erfan3300@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول):

basij_581@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد الیگودرز، دانشگاه آزاد اسلامی، الیگودرز، ایران: ghasempeyvandi@gmail.com

درآمد

یکی از نقاط قوت برخی تفاسیر معاصر را می‌توان توجه به مباحث اجتماعی آیات قرآن دانست. به یقین، ایجاد همبستگی و انسجام امت اسلامی را باید از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی آیات قرآن برشمرد. این ویژگی مهم؛ یعنی انسجام و همبستگی اجتماعی را گاهی فارغ از دیدگاه‌های اسلامی، به‌عنوان کارکردی اساسی از دین برشمرده‌اند. (برای اطلاع بیشتر نک: شاکریان، ۱۳۹۰: ش: ۳۸)

بر این اساس، حفظ وحدت و انسجام اجتماعی در راه رسیدن به اهداف و آرمان‌های اسلامی، اصلی بر پایه حکم عقل و با محوریت دستورات دینی است که ضامن حفظ و بقای فرد و اجتماع است.

قرآن مشحون از آیاتی است که انسجام و همبستگی اجتماعی را به‌طور جدی مطالبه می‌کند (جهت اطلاع رک: طه/۹۴؛ آل‌عمران/۱۰۳ و ۱۰۵؛ روم/۳۲) و از جمله آیات مهم قرآن که نقشی اساسی در تبیین بعد اجتماعی دیدگاه‌های اسلامی دارد، آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل‌عمران/۲۰۰) ترجمه: ای اهل ایمان (در برابر مشکلات و سختی‌ها) اهل صبر باشید و یکدیگر را به صبر سفارش نمایید و مراپه داشته باشید و تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که رستگار شوید»

این آیه به یکی از ابعاد مهم مسائل اجتماعی قرآن اشاره می‌کند که تحت عنوان «مراپه اسلامی» شناخته‌شده و درباره مفهوم و تفسیر آن نظرات مختلفی بیان‌شده است که کاوش بیشتر در این مورد می‌تواند زوایای مختلفی از آن را در راستای شناخت بُعد اجتماعی آیات قرآن آشکار سازد. درباره مراپه و معنای آن بحث مفصلی بین مفسرین صورت نگرفته است و اکثر آن‌ها به بیان مصادیقی همچون مرزداری اسلامی و ارتباط اجتماعی افراد بسنده کرده‌اند؛ به همین دلیل است که لزوم بررسی بیشتر در این زمینه احساس می‌شود. در میان مفسران معاصر، نظرات علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن و محمدطاهر ابن عاشور در التحریر والتنویر که در زمان تحولات اجتماعی مشرق و مغرب اسلامی واقع شدند را می‌توان در ابعاد مختلف به‌خصوص بُعد اجتماعی موردبررسی قرار داد؛ بر این اساس واکاوی تطبیقی نظرات اندیشمندان مذکور در ارتباط با مراپه می‌تواند به کشف معنایی مناسب کمک کند.

طرح مسأله

باید گفت، ضرورت و سؤال اصلی تحقیق آن است که با عنایت به روابط هم‌نشینی واژگان، نقاط اشتراک و افتراق تفاسیر یادشده کدام است و تفسیر صواب برای رابطوا چیست؟ همچنین این واژه به چه معنا است و موارد کاربرد آن در آیات قرآن چیست؟ و درنهایت این واژه در خوانش

اجتماعی آیات قرآن چه جایگاه و تأثیری دارد؟

پیشینه تحقیق

تابه حال از منظر علامه و ابن عاشور در ارتباط با موضوع فوق تحقیقی صورت نگرفته است ولی به صورت تطبیقی تک‌نگاری‌هایی ارائه شده است که به اجمال معرفی می‌گردد. مقاله «مربطه در جامعه دینی از دیدگاه علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی» از محمد فاکر مبینی که در آن نویسنده مربوطه را از دیدگاه اندیشمندان مذکور مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که آیت‌الله جوادی آملی نیز با دیدگاه علامه در تفسیر مربوطه موافق است. در این تحقیق دیدگاه دو عالم و مفسر شیعی که با همدیگر در توضیح و تفسیر مربوطه اتفاق نظر دارند، بررسی شده است. همچنین مقاله «عوامل هم‌افزایی و دستاوردهای آن در همکاری اجتماعی از منظر قرآن کریم با تأکید بر نگاه علامه طباطبائی رحمه الله علیه» از محمدعلی محمدی که در آن فقط نظر علامه طباطبائی تحلیل شده نیز ارائه شده است.

باید گفت جنبه نوآوری مقاله حاضر آن است که واژه «رابطوا» را از منظر دو عالم شیعه و اهل سنت که از طرح مباحث اجتماعی در تفاسیر خویش بهره برده‌اند، مورد بررسی و تحلیل قرار داده و فارغ از گرایش مذهبی به نقد و بررسی هر یک مبادرت ورزیده و ضمن به چالش کشیدن تفاسیر ایشان، نظری بدیع در تفسیر رابطوا ارائه نموده است.

۱- مفهوم شناسی آیه

از آنجاکه بررسی معنایی دو واژه «اصبروا» و «صابروا» به عنوان واژه‌های هم‌نشین، نقشی اساسی در فهم و تحلیل واژه «رابطوا» دارد، ابتدا مفهوم این واژگان بررسی می‌شود.

۱-۱- اصبروا و صابروا

راغب در مفردات، فعل امر «اصبروا» را از «صبر» به معنای خویشنداری در سختی و تنگی گرفته است. آنگاه آن را به معنای شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه را که عقل و شرع حکم کند و بطلد و یا آنچه شرع خودداری نفس از آن را اقتضا می‌کند، تلقی کرده است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۳ش، ۲/۳۷۱). آنگاه در ادامه انواع صبر را این‌چنین برمی‌شمارد: (۱) صبر و شکیبایی در برابر مصیبت که ضد آن جزع و بی‌تابی است (۲) صبر در جنگ و محاربه که شجاعت نامیده می‌شود و ضد آن ترس و جبن است (۳) صبر در کار ملال‌آور که ضد آن کم‌ظرفیتی و دل‌تنگی است (۴) صبر و خودداری از کلام و سخن که ضدش فاش کردن سخن است (همان). برخی «صبر» را به معنای حبس و امساک گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۱ش، ۴/۱۰۵).

ابن عاشور در بیان تفسیر واژگان آیه، «اصبروا» را از «صبر» و آن را به عنوان جمع فضائل و

خصال کمال دانسته و «صابروا» را به معنای استقامت در اجتماع و صبر در کنار دیگر صابران و البته سخت‌تر از صبر فردی می‌داند. به نظر می‌رسد که وی بر اساس باب مفاعله و معنای غالب آن که دلالت بر مشارکت دارد، «صابروا» را به معنای صبر اجتماعی و ادغام نیروی صبر افراد در جامعه در نظر گرفته است.

«صابروا» یعنی صبر اجتماعی که همه مردم باید در کنار یکدیگر اهل صبر و استقامت باشند، سخت‌تر از صبری است که تک‌تک افراد اجتماع باید در وجود خویش ایجاد کنند و اگر صابر در صبر خویش اهل استقامت و مقاومت نباشد نتیجه‌ای از صبر او حاصل نخواهد شد، زیرا نتیجه صبر در صورت عدم تداوم آن معنا ندارد و بر این اساس خداوند سوره آل‌عمران را با وصایای جامعی به پایان رسانده که این توصیه‌ها عزم و اراده مسلمین و همت آنان را برای آمادگی و استعداد مقابله با دشمن و عدم ایجاد دلسردی از شکست در برابر کفار برمی‌انگیزد (ابن عاشور، ۱۳۹۳ق، ۲۰۸/۴). وی به شعری از زفر بن الحارث در این زمینه اشاره می‌کند که این چنین سروده است:

«سقیناهم كأساً سقونا بمثلها ولكنکم کانوا علی الموت اصبراً»

ما آن‌ها را از جامی نوشاندیم که به‌مانند آن نیز به ما نوشاندند ولی آن‌ها به مرگ (نسبت به ما) صبورتر هستند.

وی نتایج صبر اجتماعی افراد در کنار یکدیگر را پرثمرتر از صبر فردی و آن را نتیجه و ماحصل صبری که تک‌تک افراد در وجود خویش همچون درختی پرورش می‌دهند می‌داند (همان). علامه طباطبایی «اصبروا» را به خاطر آنکه در آیه شریفه به‌صورت مطلق آمده شامل انواع مختلف آن، از جمله صبر بر شداید و سختی‌ها، صبر بر اطاعت خدا و صبر بر ترک معصیت می‌داند. همچنین «صابروا» را از صیغه «مفاعله» و به معنای صبر افراد مختلف اجتماع در کنار و به همراه یکدیگر قلمداد می‌کند؛ بنابراین «مصابره» به حالتی که جمعیتی از افراد اجتماع به‌اتفاق یکدیگر در مقابل آزارها، اذیت‌ها و مشکلات احتمالی، صبر و تحمل نمایند اطلاق می‌شود. در این صورت برکات صبر افراد اجتماع به یکدیگر وصل شده و همه نیروها یکی می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۴۳/۴).

تفسیر و تبیین علامه و ابن عاشور در ارتباط با واژه‌های «اصبروا» و «صابروا» و تلقی ایشان از صبر فردی و اجتماعی افراد یکسان است و می‌توان تفسیر ایشان را از این دو واژه به‌عنوان نقطه اشتراک در دیدگاه این دو اندیشمند اسلامی درباره واژه های یادشده دانست.

۱-۲-رابطوا

راغب ریشه رابطوا را از ربط و آن را به معنای بستن و محکم کردن می‌داند. وی همچنین «ربط الفرس» را بستن اسب درجایی و نگهداری از آن و «رباط الجیش» را به‌عنوان استراحتگاه سربازان

و «رباط» را مکان مخصوص اقامت نگهبانان دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ق، ۳۵/۲). همچنین وی واژه «مرباطه» را به دو معنا می‌داند: ۱. مراقبت و مشارکت برای مزداری در سرحدات بلاد مسلمین، همچون نگهبانانی که در سرحدات مرزی ساکن شوند و از آن حفاظت نمایند. ۲. به معنای «فلان رباط‌الجأش» که این عبارت درجایی به کار می‌رود که قلب انسان قوی و نیرومند باشد (همان، ۳۶). برخی دیگر «ربط» را دلالت‌کننده بر استحکام و ثبات می‌دانند (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۴۷۷/۲). خلیل بن احمد برای رباط دو معنا می‌داند: ملازمت بر راه‌های نفوذ دشمن و همچنین مداومت بر چیزی (خلیل بن احمد، بی تا، ۴۲۳/۷) فیومی نیز معنای ملازمت بر مرزهای دشمن را در نظر گرفته است. (فیومی، بی تا، ۲۱۵)

۲-معانی مختلف باب مفاعله

به جهت آنکه رابطوا از باب مفاعله بوده و این باب می‌تواند معانی مختلفی را متحمل شود، لازم است ابتدا معانی این باب بررسی شود تا پس‌از آن با تبیین نظر علامه و ابن عاشور دیدگاه نزدیک به صواب مشخص گردد.

گرچه معنای قریب و غالب باب مفاعله مشارکت است؛ اما معانی دیگری برای آن توسط لغویون بیان شده است. برخی معانی این باب را بر چهار قسم می‌دانند که شامل: مشارکت (مثل ضارب زید بکراً؛ زید با بکر زدو خورد کرد و یا شاعرت زیداً؛ با زید مشاعره کردم)، تعدیه (مثل بَعْدَ: دور شد که به صورت متعدی باعَدَ: او را دور کردم معنا می‌شود)، تکثیر (مثل نَاعَمَهُ اللهُ: خدا زیاد به او نعمت داد) و معنای ثلاثی مجرد که بیشتر در مورد خداوند از همین باب استفاده می‌شود (مثل قَاتَلَهُمُ اللهُ: خدا همچون کثرت و تداوم، مفید معنای ثلاثی مجرد، ضد معنای ثلاثی مجرد و مفید معنای باب افعال را مطرح کرده‌اند. (اوسط خانجانی، ۱۳۹۷ش، ۵۱) بنابراین غیر از معنای مشارکت در باب مفاعله معنای کثرت، تداوم و تعدیه نیز مطرح است.

۳-تبیین دیدگاه ابن عاشور و علامه طباطبائی در مورد موابطه

۳-۱-نظر ابن عاشور درباره معنای رابطوا

ابن عاشور «رابطوا» را از باب مفاعله از ریشه «ربط» به معنای آمادگی و استعداد لشکر اسلام در سرحدات و مرزهای کشور اسلامی برای مقابله احتمالی با دشمنان دانسته است. به عقیده وی «رابطوا» دستوری است برای بیداری همیشگی لشکر مؤمنان در زمان صلح که تجاوزی از سوی دشمن مرزها را تهدید نمی‌کند تا به صورت دائمی از کید و مکر مشرکان در امان باشند. همان‌طور که مسلمین در جنگ احد به خاطر همین آسودگی از مکر مشرکان ضربات جبران‌ناپذیری خورده و نتیجه آن به

سود سپاه دشمن رقم خورد (ابن عاشور، ۱۳۹۳ق، ۲۰۹/۴).

بر اساس بیان ابن عاشور خداوند مسلمین را به خاطر همین ضرباتی که از سوی کفار و مشرکین بر آنها وارد شد، امر به جهاد و بیداریش در برابر دشمنان نموده است. همچنین مراپه (مرزداری) در جاهلیت امری شایع بوده است و از جمله کارهایی که در این ارتباط صورت می‌گرفت؛ آماده‌سازی اسبان برای حفظ و حراست از مرزها و روزنه‌های نفوذ دشمنان که از طریق آنها می‌توانستند به شهرها حمله کنند، مثل راه‌ها و شکاف بین کوه‌ها بوده است (همان). او سپس به حدیثی درباره مرزداری و ارزش آن در راه خدا از کتاب جهاد صحیح بخاری، باب «فضل رباط یوم فی سبیل الله» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند که حضرت فرمود: «رباط یوم فی سبیل الله خیر من الدنیا و ما علیها» (بخاری، بی تا، ۲۲۴/۳)

در مورد سیر تاریخی مرزداری اسلامی باید گفت از قدیم مسلمانان در بیابان‌ها از مرزهای شهرهای فارس، شام و اندلس مراقبت و محافظت می‌کردند و آنگاه که عظمت و شوکت اسلامی در بلاد افزون گردید، در دریاها نیز نگهبانی و محافظت مرزی را شروع کردند و راه‌های دریایی همچون مستنیر در تونس و سلا در مغرب را حراست کردند؛ بنابراین خداوند به حفظ و حراست مرزی کشور اسلامی فرمان داده است؛ آن‌چنان‌که به جهاد با کفار و مشرکین فرمان داده است. وی عقیده دارد که این موضوع بر برخی مفسرین مخفی مانده و ایشان رباط را مربوط به جهاد و آماده‌سازی لشکر در برابر دشمنان قلمداد کرده‌اند و دلیل آن‌ها نیز این است که در زمان پیامبر، جنگی در نزدیکی مرزهای اسلامی وجود نداشته است. وی سپس به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند که حضرت فرمود: «ألا أخبرکم بما یمحو اللّٰهُ بهِ الخطایا و یرفعُ بهِ الدرّجاتِ؟ إسبأغُ الوضوءِ عند المکاره و کثره الخُطأِ إلی المساجِدِ و انتظارُ الصّلاه بعد الصّلاه، فذلِکمُ الرِّباطُ، فذلِکمُ الرِّباطُ» (مالک ابن انس، الموطأ، ۱۴۲۵ق، ۱۴۶). در این روایت مراپه به‌عنوان انتظار نماز پس از فراغت از نماز تعبیر شده است. (ابن عاشور، ۱۳۹۳ق، ۲۱۰/۴).

باید به این نکته اشاره کرد که ذکر این روایت، یعنی انتظار نماز پس از نماز را باید به‌عنوان نقطه اشتراک دیدگاه هر دو مفسر در نظر گرفت؛ چراکه علامه نیز در بحث روایی المیزان به همین روایت، به نقل از تفسیر الدرالمثور سیوطی اشاره کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۲۰۴/۴)

از بررسی نظر ابن عاشور این نکته به دست می‌آید که وی بعد از بیان تفسیر صبر فردی و اجتماعی، در تفسیر «رابطوا»، بستن مرزها و سرحدات کشور اسلامی را به‌عنوان مراد جدی واژه در نظر گرفته است؛ ولی دلیلی برای این تفسیر ارائه نکرده و مشخص نیست که از کدام یک از معانی باب مفاعله این معنا استنباط شده است. تفسیر مرزداری اسلامی برای رابطوا را می‌توان علاوه بر

سخن ابن عاشور در سخن برخی دیگر از مفسران نیز شاهد بود (برای نمونه رک: صابونی، ۱۴۲۱ق، ۲۳۰/۱؛ آل‌غازی، ۱۴۲۷ق، ۵۱۶؛ دره، ۱۴۳۰ق، ۳۵۸/۲؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴ش، ۱۳۹/۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م، ۳۸۲/۲؛ طبرسی، ۱۳۵۰ش، ۳۹۹/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴۶۰/۱؛ دروزه، ۱۴۲۱ق، ۲۹۹/۷؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ۳۲۹/۱؛ ایبازی، ۱۴۰۵ق، ۲۸۷/۹؛ مراغی، بی تا، ۱۷۱/۴؛ جزایری، ۱۴۱۶ق، ۴۳۱/۱؛ سید قطب، ۱۳۸۵ق، ۵۵۲/۱؛ شعراوی، ۱۹۹۱م، ۱۹۷۵/۴).

ابن عاشور فعل «اصبروا» را به‌عنوان صبر فردی معنا کرده و همچنین «صابروا» را از باب مفاعله به معنای صبر اجتماعی قلمداد کرده است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به معانی کثرت و تداوم در باب مفاعله و همچنین تعدیه به تفسیر مذکور اشاره کرده است؛ بدین معنا که مرزداران اسلامی با کثرت مرزداران و تداوم حضور ایشان در مرزهای اسلامی و برای حفظ آن از آسیب نفوذ دشمنان تحقیق می‌پذیرد.

۳-۲- نظر علامه طباطبائی در مورد معنای رابطوا

علامه طباطبائی «مرابطه» را اعم از «مصابره» می‌داند. به عقیده وی چون «مصابره» عبارت از وصل کردن نیروهای جامعه برای مقابله با شداید و سختی‌ها است؛ مرابطه به معنای وسیع‌تر شامل تجمیع قوای اجتماع در همه شئون زندگی اعم از سختی و آسانی می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ۱۴۴/۴).

به نظر می‌رسد علامه با توجه به معنای مشارکت در مفاعله تفسیر فوق را برای رابطوا ارائه کرده؛ زیرا در تفسیر این آیه و دیگر آیات در المیزان به علت استنباط خویش اشاره‌ای نکرده است. اگر این مطلب در جای خویش صحیح باشد و استنباط علامه بر معنای مشارکت منظور وی بوده باشد، باید گفت باب مفاعله درجایی است که طرفین در تحقق ماده فعل مشارکت دارند و یک‌طرف فاعل و طرف دیگر مفعول هست، در مصابره و مرابطه امر به مشارکت طرفین است. امر مصابره به صبر همگانی در جامعه اسلامی است، ولی آن‌چنان‌که ابن عاشور در معنای مرابطه بیان داشته، یک‌طرف از ماده مشارکت فعل مرابطه، دشمنی است که در برابر او باید مرزها را محکم بست. در این صورت یک‌طرف مرابطه دشمن و طرف دیگر مؤمنان هستند. در این صورت به فعلی که دو طرف مشارکت در ماده فعل را دارد و یک‌طرف دشمن و طرف دیگر دوست است چگونه می‌توان امر نمود؟

علت تلقی علامه در معنای مرابطه و امر الهی در آیه را می‌توان در کلام صاحب تسنیم جستجو

کرد که می‌گوید:

«علامه طباطبایی مطلبی را از دو کلمه (صابرو و رابطوا) استنباط کرده‌اند که (صابرو و رابطوا) مستقیم متوجه مؤمنان است؛ به این معنا که صبرهایتان را باهم تبادل کنید؛ نه اینکه هر یک به تنهایی صبر کنید، همان‌گونه که آیه شریفه «واعتصموا بحبلِ اللهِ جمیعاً» (آل عمران: ۱۰۳) فرمان می‌دهد که همه باهم مسلمان باشید؛ نه فقط همه مسلمان باشید، پس اگر مسلمانان هماهنگی جمعی نداشته باشند، هیچ‌یک به آیه مزبور عمل نکرده‌اند، زیرا فرمان (واعتصموا) به معنای «مسلمان شوید» نیست، بلکه به معنای «باهم مسلمان باشید» است و باهم مسلمان بودن، غیر از مسلمانی هر فرد به تنهایی است.

باهم مسلمان بودن یعنی در مسائل نظری تبادل فکری داشتن، در امور اجرایی و عملی همکاری کردن و در مسائل دفاعی و جنگ مصابره و مرابطه داشتن. نتیجه آن‌که صابرو و رابطوا خطاب به مؤمنان است؛ بدین‌سان که باهم صبر و رباط داشته باشید، زیرا صبر هر انسانی محدود است. بعضی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند، اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و مرابطه جای حراست و نگهداری انفرادی از مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنج و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد. با این بیان هم مقتضای هیئت باب مفاعله محفوظ می‌ماند و هم هر دو طرف آن حق است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۴/۱۶).

حال با بررسی روابط هم‌نشینی واژگان می‌توان گفت: خداوند در این آیه به سه مرحله از ارتباط فردی و اجتماعی اشاره دارد: ۱) صبر فردی برای تک‌تک افراد جامعه (۳) صبر اجتماعی به همراهی و همدلی افراد در مقابل شداید و سختی‌ها (۳) صبر اجتماعی در تمام شئون زندگی اجتماعی و ارتباط قلبی افراد برای رسیدن به سعادت حقیقی زندگی اجتماعی بشر.

در بیان ارتباط چهار صیغه امر معهود در آیه به بیان آیت‌الله جوادی آملی باید گفت: «سوره آل عمران دربردارنده اصول و بسیاری از فروع دین است و فرمان خداوند سبحان به صبر، مصابره، مرابطه و تقوا در این آیه، توصیه‌ای راجع به تحمل فراگیری همه معارف و مسائل این سوره است تا فلاح نهایی که ثمر اندیشه‌های صائب و انگیزه‌های صالح است حاصل شود» (همان، ۷۶۸)

بر همین اساس بنا بر دیدگاه علامه طباطبایی معنای «واتقوا الله» و امر به تقوا پس از بیان وجوه مختلف صبر روشن می‌گردد، زیرا نتیجه موارد سه‌گانه مطروحه در آیه رسیدن اجتماع بشری به سعادت حقیقی است و در صورت عدم تکیه افراد به یکدیگر در جامعه و عدم توجه به شئون زندگی اجتماعی، سعادت حقیقی بشر حاصل نخواهد شد. یعنی التزام به تقوا در آیه به معنای رعایت صبر فردی در درجه اول، سفارش دیگران به صبر و تجمیع قوای اجتماعی در شداید و سختی‌ها در درجه دوم و در نهایت تجمیع قوای انسانی و بشری در جمیع شئون زندگی برای دستیابی به سعادت حقیقی خواهد.

این در حالی است که چنین استنباطی بر پایه بیان باب مفاعله بر معنای مشارکت باشد؛ درحالی که چنین استنباطی را نمی‌توان به‌سادگی در مورد رابطه بدون در نظر گرفتن دیگر معانی آن پذیرفت.

۴- استعمال ماده «ربط» در دیگر آیات قرآن

غیر از آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران، در ۴ آیه دیگر قرآن مشتقات واژه «ربط» شامل «لیربط»، «ربطنا» و «رباط‌الخیل» آمده که بررسی نظر علامه و ابن عاشور درباره آن می‌تواند به فهم بهتر تفسیر «رابطوا» کمک نماید. این آیات عبارت‌اند از:

۴-۱- «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لِلَّهِ وَعَدُّوكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَاتَنَفَقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ كَأَنْظَلُمُونَ» (انفال: ۶۰)

ترجمه: و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداش آن به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

ابن عاشور معتقد است که عطف «رباط‌الخیل» بر «قوه» عطف خاص بر عام است؛ یعنی ابتدا در آیه شریفه به‌صورت عام به افزایش قدرت مسلمین دستور می‌دهد و سپس به‌صورت خاص، بستن و محکم کردن جایگاه اسبان را مطرح کرده است و این نشان‌دهنده اهتمام آیه نسبت به این موضوع است. همچنین «رباط» صیغه مفاعله و دال بر مبالغه و محکم بستن دوچندان اسبان برای مبارزه و جهاد است؛ یعنی اسب‌ها را حفظ کرده و محکم ببندید. همچنین «ربط‌الفرس» درجایی کاربرد دارد که اسب‌ها را در مکانی حفظ کرده و آن‌ها را ببندند و برای همین نیز به مکان بستن اسب‌ها «رباط» می‌گویند؛ زیرا جنگجویان شکاف‌ها و مرزهای کشور اسلامی را از هجوم سوارانی که بر اسب‌های خویش به سمت مسلمین یورش می‌برند، حفظ و حراست می‌کنند. او سپس به حدیثی از پیامبر در بیان ارزش جهاد در راه خدا و بستن اسب‌ها در این راه اشاره می‌کند که حضرت فرمود: «من ارتبط فرسا فی سبیل الله کان روثها و بولها حسنات له» (ابن عاشور، ۱۳۹۳ ق، ۵۶/۱۱).

گرچه استنباط ابن عاشور از «رباط‌الخیل» به معنای محکم بستن اسب‌ها، استنباطی صحیح است؛ زیرا در جنگ گروهی پیروز خواهد شد که ادوات رزمی و سازویرگ نظامی خویش را به‌خوبی فراهم آورده و آن را در نقاط حساس پیاده کرده و از خلل و نقص و ضربه ناگهانی دشمن در امان بدارد؛ اما به این نکته مهم باید توجه داشت که دستور آیه مبنی استحکام ادوات نظامی از قبیل اسب‌های جنگی فقط به این مورد محدود نمی‌شود و جنگجویان باید از نظر فکری و عقیدتی نیز هیچ راه رسوخ

و نفوذ افکار الحادی و مخرب دشمن را باقی نگذارند؛ زیرا در کنار قدرت نظامی، آنچه در میدان مبارزه سرنوشت‌ساز است؛ قدرت روحی و روانی رزمندگان و اعتقاد محکم برای حفظ منافع فردی و ملی است.

۲-۴- «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ» (انفال: ۱۱)

ترجمه: [به یادآورید] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش‌بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فروریخت تا شمارا با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار دارد.

ابن عاشور در ذیل آیه می‌گوید: «در حقیقت ربط محکم کردن پیوند چیزی است و آن کنایه از ثبات و آرامش و از بین رفتن اضطراب و تشویش است و از این جهت است که مثلاً می‌گویند: «فلان جاش الربط: فلانی آرامش و خونسردی دارد» و حرف جر «علی» کنایه از تمکن و قوت آرامش و ثبات دارد» (ابن عاشور، ۱۳۹۳ق، ۲۸۰/۱۰). او در ذیل آیه و در توضیح عبارت «لیربط علی قلوبکم» ثبات و عدم تزلزل قلوب مؤمنین را به معنای ایمان قلبی ایشان و بر اساس شأن نزول آیه، اطمینان از وجود آب و عدم ترس ایشان از عطش قلمداد کرده است (همان).

علامه «لیربط علی قلوبکم» را کنایه از تشجیع قلوب مؤمنین و فرستادن باران بر جنگجویان مؤمن را باعث استواری و ثبات قدم و مستحکم ساختن قلوب ایشان می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ۲۴/۹). در این آیه نیز از نظر قرآن، قوت و قدرت روحی و اطمینان قلبی جنگجویان، عاملی اساسی در پیروزی و ثبات قدم در مصاف با تحركات نظامی دشمن و تبلیغات سوء وی بر علیه مسلمین دانسته شده است. این عامل؛ یعنی آرامش و ثبات و استحکام قلب نیز خود نقشی اساسی در رویارویی با دشمن و پیروزی بر وی دارد.

۳-۴- «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا» (کهف: ۱۴)

ترجمه: و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت بی‌شک غیر صحیح گفته‌ایم.

ابن عاشور در ذیل آیه در توضیح «و ربطنا» می‌گوید: «ربط بر قلب کنایه از تثبیت ایمان در قلب و عدم شک و تردید آن است. پس هرگاه اطلاق قلب بر محل قرار گرفتن ایمان و اعتقاد شایع باشد،

ربط قلب کنایه از ثبات قلب و محکم کردن آن است» (ابن عاشور، ۱۳۹۳ق، ۲۷۲/۱۶). از سویی متعدی کردن «ربطنا» با حرف «علی» برای مبالغه در محکم کردن است و معنی آن استحکام و تمکن است. عبارت «اذ قاموا» ظرف برای فعل «ربطنا» است؛ یعنی در وقت قیام برای حق خداوند قلوبشان را محکم و استوار نمود و بر این اساس در هنگام خطوطور فکر جهاد و قیام در راه خدا قلوبشان نیز محکم و باثبات گردید (همان).

علامه در ذیل آیه در ارتباط با ماده «ربط» آن را به معنای محکم بستن و کنایه از سلب اضطراب و قلق از قلوب اصحاب کهف می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ۳۴۸/۱۳).

محکم کردن قلوب اصحاب کهف در آیه مذکور، پس از بپاخواستن در راه خدا و ابراز عقیده صحیح مبنی بر توحید الهی مطرح شده است. این بدان معنا است که قلوب ایشان در کنار یکدیگر و همراه باهم برای رسیدن به هدفی الهی و غایتی مطلوب محکم و استوار گردیده و راه خلل و نفوذ افکار شیطانی و گمراه‌کننده بر آن بسته شده است.

۴-۴- «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَيَّ قَلْبَهَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (قصص: ۱۰)

ترجمه: و دل مادر موسی [از هر چیزی، جز از فکر فرزند] تهی گشت. اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان‌آوردگان باشد، چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند.

ابن عاشور در ذیل این آیه دو احتمال را درباره علت تهی شدن دل مادر حضرت موسی علیه السلام بررسی کرده است. احتمال اول مربوط به ثبات و آرامش مادر موسی و احتمال دوم نیز درباره حالت شک و ضعف در دل اوست. در احتمال اول قلب او فارغ از خوف و حزن شد و بر اساس الهامی که خداوند به او کرد، نسبت به عاقبت افکندن موسی به آب، اطمینان و ثبات پیدا کرد و این آیه به ثنا و ستایش ثبات و اطمینان مادر موسی می‌پردازد. وی این احتمال را بیشتر می‌پسندد؛ زیرا در ادامه آیه می‌فرماید: «لتكون من المؤمنين» و این قسمت آیه کنایه از ستایش مادر موسی دارد و محکم کردن (ربط) دل مادر موسی از نتایج الهام خداوند است که به او فرمود نترس و نگران مباش (ابن عاشور، ۱۳۹۳ق، ۸۰/۲۱).

علامه «ربطنا» را از «ربط» و آن را به معنای بستن چیزی و «ربط» را در آیه شریفه کنایه از اطمینان دادن به قلب مادر موسی می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ۱۳/۱۶).

۵-تحلیل و نقد آراء

۵-۱- از آنجاکه تنها موضعی در آیات که فعل رابطوا آمده در آیه ۲۰۰ بوده و در این آیه نیز هیچ قیدی

همراه آن مطرح نشده تا بتوان مراد حقیقی از آن را استنباط کرد؛ بنابراین تفسیر علامه مبنی بر ارتباط اجتماعی افراد در تمامی شئون زندگی و همچنین دیدگاه ابن عاشور مبنی بر محکم کردن مرزهای اسلامی قابل پذیرش نیست؛ چراکه به نظر می‌رسد استنباط هر دو مفسر بر اساس توجه به معنای غالب باب مفاعله در رابطوا یعنی مشارکت بوده و دیگر معانی از نظر دورمانده است.

۲-۵- بر فرض که استنباط مفسران یادشده بر معنای مشارکت برای مفاعله نبوده و ایشان به تمامی معنای باب مفاعله توجه کرده‌اند، باز این مسئله نیز نمی‌تواند دلیلی بر درستی تفاسیر یادشده باشد؛ زیرا آن‌چنان‌که گفته شد چون لفظ آیه مطلق بیان شده است مقید کردن الفاظ به معنایی خاص؛ همچون ارتباط افراد در تمامی شئون و یا مرزداري اسلامی از حد تعیین مصداق فراتر نبوده و نمی‌توان به‌عنوان تفسیر واژه به آن نظر کرد.

۳-۵- دیگر مصادیق رابطوا که در روایات یادشده به آن اشاره شده؛ همچون انتظار نماز و رفت‌وآمد به مساجد و همچنین ارتباط با امام نیز گرچه بر مبنای معنای باب مفاعله صحیح است؛ اما باز می‌توان آن‌ها را به‌عنوان تعیین مصادیق واژه در نظر گرفت.

۴-۵- با در نظر گرفتن ریشه‌های «ربط» در آیات دیگر قرآن باید گفت اگر استدلال ابن عاشور برای معنای مربوطه در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران به آیه ۶۰ سوره انفال و تلقی بستن مرزها از «رباط الخیل» باشد، این مسئله‌ای است که نمی‌توان برای آن دلیل قابل قبولی ارائه نمود؛ چون در آیه ۲۰۰ آل عمران هیچ قرینه‌ای برای این معنا ذکر نشده و چنان‌که مطرح شد الفاظ آیه به شکل مطلق و بدون قید آمده است. آیات دوم تا چهارم نیز از واژه‌های «لیربط» و «ربطنا» تشکیل شده که از ریشه «ربط» و آن‌چنان‌که در آیات بررسی شد، همگی مرتبط با قلب آدمی است. این مطلب از اضافه قلب به ترکیب مذکور استنباط می‌شود. این تلقی؛ یعنی استحکام قلوب در مورد آیات دوم تا چهارم صحیح است و دلیل آن ذکر شد، درحالی‌که «رابطوا» در آیه ۲۰۰ آل عمران هیچ اضافه‌ای ندارد که بتوان استنباط ابن عاشور را از معنای مطرح شده قابل قبول دانست. از طرفی تفسیر علامه نیز به همین ایرادهای ذکر شده گرفتار آمده و نمی‌توان دلیل صحیحی برای آن اقامه نمود.

نتایج

۱) بررسی روابط هم‌نشینی واژگان و اطلاق افعال «اصبروا»، «صابروا» و «رابطوا» در آیه ۲۰۰ آل عمران، مؤید این معنا است که افعال مذکور باید به صورت مطلق معنا شود و تفاسیر یادشده را باید به‌عنوان مصادیق رابطوا نگریم.

۲) بر اساس اینکه هر سه فعل با «واو» عطف به یکدیگر وصل شده می‌توان معنایی در راستای افعال قبلی برای رابطوا در نظر گرفت؛ بنابراین چنانچه در آیه به صبر فردی و صبر اجتماعی دستور داده

است، با عنایت به معنای لغوی و همچنین معانی باب مفاعله و در نظر داشتن اطلاق آن، رابطوا به معنای مشارکت مداوم افراد جامعه همراه با ایستادگی محکم و قوی در راه رسیدن به حق است؛ چراکه در آخر آیه فرمود: لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و استفاده از لفظ «امید است» نشان‌دهنده این معنا است که شاید بتوانید در مسیر حق چنین ایستادگی کنید.

منابع

قرآن کریم

۱. آل‌غازی، عبدالقادر (۱۴۲۷ق)، بیان المعانی، تلخیص سعید علاء محمد، دمشق، دارالرؤیه.
۲. ایباری، ابراهیم (۱۴۰۵ق)، الموسوعه القرآنیه، قاهره، مؤسسه سجل العرب، چاپ اول.
۳. ابن عاشور، محمدبن طاهر (۱۳۹۳ق)، التحریر و التنویر، بی‌جا، دارالسخون.
۴. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق)، معجم مقانیس اللغة، بیروت، دارالفکر.
۵. اوسط خانجانی، علی (۱۳۹۷ش)، بررسی معانی کاربردی افعال مزید در قرآن مجید، فصلنامه زیان و ادبیات عرب، شماره ۱۸، بهار و تابستان.
۶. بخاری، محمدبن اسماعیل (بی‌تا)، صحیح بخاری، بی‌نا.
۷. جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق)، ایسر التفاسیر لکتاب العلی الکبیر، مدینه منوره، مکتبه العلوم و الحکم، چاپ اول.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء.
۹. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، التفسیر الواضح، بیروت، دارالجیل، چاپ دهم.
۱۰. خرم‌دل، مصطفی (۱۳۸۴ش)، تفسیر نور، تهران، احسان، چاپ چهارم.
۱۱. خلیل بن احمد، ابوعبد الرحمان (بی‌تا)، المعین، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۱۲. دره، محمد علی طه (۱۴۳۰ق)، تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه، بیروت، دار ابن کثیر.
۱۳. دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق)، التفسیر الحدیث، ترتیب السور حسب النزول، بیروت، دار الغرب الاسلامی، چاپ دوم.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳ق)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۶. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۳۸۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.

۱۷. شاکریان، حمیدرضا (۱۳۹۰ش)، *چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟*، قم، دفتر نشر، چاپ سوم.
۱۸. شعراوی، محمد متولی (۱۹۹۱م)، *تفسیر الشعراوی*، بیروت، اخبار الیوم، اداره الکتب و الکتبات.
۱۹. صابونی، محمد علی (۱۴۲۱ق)، *صفوه التفاسیر*، بیروت، دار الفکر.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی، محمدرضا (۱۳۷۳ش)، *صرف ساده*، قم، دار العلم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰ش)، *مجمع البیان*، مترجم هاشم رسولی، تهران، نشر فراهانی.
۲۳. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م)، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، نهضه مصر.
۲۴. فیومی، احمد بن محمد بن علی (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، بیروت، المكتبه العلمیه.
۲۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مالک بن انس (۱۴۲۵ق)، *الموطأ*، بی جا، مجمع الثقافی.
۲۷. مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت، دارالفکر.